



مصاحبه با

سایکو شیهان

گوشی یاماگوچی

درس سال ۲۰۰۸



مصاحبه با سایکو شیهان گوشي ياماگوچی در سال ۲۰۰۸

مقاله زیر ، توسط گراهام نوبل ، از وب سایت Karate Seinenkai هاوایی استخراج شده است. این مصاحبه در سال ۲۰۰۸ بعد از برگزاری یک سمینار فنی که در انگلیس برگزار شد انجام شده است. در این مصاحبه به تاریخچه تأسیس گوجوکای و توسعه آن و همچنین به سازمان های منشعب شده از سبک مادر(گوجوریو) و مربیان بزرگی که از شاگردان گوگن یاماگوچی سن سی بودند(مانند او یاما سن سی که کیوکوشین را بنیان نهاد و...) پرداخته می شود. اساسا سبک گوجوکای بدون نام سن سی گوگن یاماگوچی در هیچ کجای دنیا شناخته شده نیست، از ایشان در تمامی مقالات و محافل به عنوان یک اسطوره کاراته که شخصیتی بی نظیر در اشاعه فرهنگ کاراته همراه با رعایت اصول اخلاق و ارزش های انسانی و جوانمردی نام برده می شود.

معرفی:

من با گوشي ياماگوچی در سمینار فنی (انجمن بین المللی کاراته دو گوجو کای IKGA) که در انگلیس برگزار شد در سال ۲۰۰۸ ملاقات کردم. من علاقه داشتم با او ملاقات و مصاحبه کنم ، زیرا او علاوه بر اینکه شخصیتی مهم در حد و اندازه خودش در کاراته است ، سومین فرزند پسر گوگن یاماگوچی معروف و وارث سبک او می باشد. وقتی ما او را ملاقات کردیم ، بلافاصله بسیار صمیمی و با صبر و حوصله به تمام سؤالات من در مورد گوجو ریو و پدر افسانه ای اش پاسخ داد.

خود گوشي ياماگوچی چیزهای زیادی به این سبک افزوده است. این را می توان در ویدئو سه قسمتی آموزشی و جامعی که چند سال پیش ارائه داد مشاهده کرد ، و این مطلب در آموزش او در این سمینار فنی مشهود بود: کار بر روی تکنیک های اساسی و پایه گوجو منجر به ترکیبی از حمله و دفاع منجر می شد که سپس تبدیل به کاربرد تکنیک های دو نفره در بونکای کاتا می شد. این دوره با استقبال خوبی برگزار شد و جو سمینار باکار گروهی سخت و دوستانه ای همراه بود. گوشي ياماگوچی در کتابی که برای مراسم خاکسپاری گوگن یاماگوچی منتشر شد، یادآوری کرد که پدرش در تدریس به او و برادرانش سختگیر بوده است: "همانطور که برادر بزرگتر من گوسن گفت ، رابطه ما بیشتر شبیه یک دانش آموز با یک معلم بود تا پسر با یک پدر. . . . از نظر پدرم من نه تنها فرزند او بلکه دانش آموز او نیز بودم.



بنابراین او نمی خواست هیچ وضعی در مقابل من نشان دهد. تا زمانی که به یاد می آورم ، هرگز شکایت او را نشنیده ام، خواه برایش کاری سخت بود یا خواهان آن نبود.

درست قبل از فوت او احساس کردم می خواهد او مشکلات خود را بپذیرد و نشان دهد تا از دردش بکاهد. اما حتی در آن زمان او هیچگاه وضعی نشان نداد ، هرگز نشان نداد که سخت است. وقتی از او پرسیدم حال خوبی داری؟ فقط گفت خوب است. وقتی من سعی کردم برای راه رفتن از او حمایت کنم ، او گفت که می تواند خودش خوب راه برود. بنابراین خاطره من از او از بسیاری جهات تصویر یک پدر بسیار قوی بود.

"روز قبل از مرگش او را حمل کردم. وقتی برادر همسرم پرسید آیا می داند چه کسی او را حمل می کند ، شنیدم او فقط لبخند زده است. هرگز تصور نمی کردم که می خواهم پدرم را به بیمارستان منتقل کنم ، اما بعد آرزو می کردم کاش پسر بهتری برای او بودم. . . . او تمام زندگی خود را وقف کاراته کرد. البته او کارهای دیگری مانند تجارت نیز انجام می داد، اما مدام به کاراته می اندیشید. او می خواست پسرانش کاراته او را ادامه دهند بنابراین نام پسر بزرگ را گوسی با کلمه Sei گذاشت تا کاراته او را به درستی انجام دهد. برای پسر دوم، گوسن، او می خواست کاراته او را به سطح بالاتری برساند.

و پسر سوم خود را گوسی نامید، با واژه شی از Rekishi (تاریخچه) ، بنابراین او می تواند کاراته خود را به نسل های بعدی منتقل کند. از زمانی که پدرم درگذشت و من به تدریس ادامه می دهم ، مصمم هستم تا آرزوی او را با زندگی ام در کاراته برآورده کنم " .با تشکر از تونی چیلدز و مارک آدامز که به من اجازه دادند در این سمینار فنی شرکت کنم، و وقتی در آنجا بودم از من مراقبت کردند و برای ترجمه از کتابچه یادبود Gogen Yamaguchi از Brian Sekiya نیز متشکرم.

این مصاحبه در Potter's Leisure Resort انجام شده است ، نزدیک گریت یارموث. ۱۴ جولای ۲۰۰۸ ، IKGA Gasshaku

اروپا



گراهام نوبل: سنسی ، شما ۲۸ سپتامبر ، ۱۹۴۲ متولد شدید؟

گوشی یاماگوچی: بله.

گراهام نوبل: و این در مانچوکو بود ، منچوری؟

گوشی یاماگوچی: بله.

گراهام نوبل: آیا چیزی از منچوری به یاد دارید؟

گوشی یاماگوچی: بله ، البته ، اما من فقط ۴ ساله بودم. دقیقاً

به یاد نمی آورم اما یادم می آید که مادرم ما (فرزندان) را با

قطار به ژاپن برگرداند البته خواهر کوچکترم هنگامی که ما می خواستیم به ژاپن برگردیم فوت کرد.

گراهام نوبل: و این زمانی بود که روس ها در پایان جنگ به منچوری حمله کردند؟

گوشی یاماگوچی: بله، بیشتر مردم پس از آن مجبور به بازگشت به ژاپن شدند.

گراهام نوبل: اما پدرت اسیر شد!؟

گوشی یاماگوچی: بله در آن زمان او اسیر شد و به سیبری فرستاده شد.

گراهام نوبل: پس وقتی پدرتان به ژاپن برگشت، آموزش کاراته را از چه سنی، شروع کردی؟ شش سالگی؟

گوشی یاماگوچی: نه ، از شش نه. من از هفت یا هشت سالگی شروع کردم، اما در شش سالگی مشغول تماشای آموزش

بودم زیرا پدرم مرا به آموزش می برد و من فقط می نشستم و تماشا می کردم.

گراهام نوبل: پس شما آن وقت می خواستید کاراته کار کنید، یا فقط از شما انتظار می رفت؟

گوشی یاماگوچی: خوب، این یک راز است (با خنده)، اما من آن را دوست نداشتم! اما البته چاره ای نداشتم، این ایده

پدرم بود .



گراهام نوبل: وقتی در هفت یا هشت سال آموزش دیدید، این در یک کلاس عادی بود؟
گوشی یاماگوچی: بله، البته، زیرا در آن زمان کلاس برای بچه ها نبود، فقط بزرگسالان، فقط چند دانش آموز و برادرانم، بچه ای نبود. پایان کلاس اواخر شب بود و من باید در رختخواب بودم.
بعد از آموزش نمی توانستم خودم برگردم بنابراین بعضی از ارشدها مرا به پشت خود تا خانه حمل می کردند و من هم دیگر خوابیده بودم.

گراهام نوبل: آموزش در دوجو Asakusa بود، آیا این اولین دوجو بعد از جنگ بود؟
گوشی یاماگوچی: نه، آساکوسا دومین دوجو بود. اولین دوجو بسیار کوچک بود، فقط یک اتاق کوچک ، واقعاً شبیه دوجو نبود، سپس پدرم به آساکوسا نقل مکان کرد و این یک دوجو بزرگ بود.
گراهام نوبل: در آغاز او فقط چند دانش آموز داشت؟

گوشی یاماگوچی: بله ، در آغاز فقط چند عضو، شاید فقط چهار یا پنج نفر، سپس وقتی او دوجو آساکوسا را راه اندازی کرد، ما چهار روز در هفته آموزش می دیدیم و دانشجویان بیشتری می آمدند.

گراهام نوبل: چرا پدر شما در توکیو دوجو داشت، چونکه قبل از جنگ در کیوتو، دانشگاه ریتسومیگان بودند؟
گوشی یاماگوچی: او دوست داشت که به کیوتو برگردد، اما مادرم خانواده را به توکیو برده بود.

گراهام نوبل: و گوجو در آن زمان در توکیو تازه وارد بود، زیرا قبل از آن فقط در کیوتو و منطقه کانزای بود؟
گوشی یاماگوچی: بله ، پدر من دوستان زیادی در کیوتو داشت زیرا او از دانشگاه Ritsumeikan در کیوتو فارغ التحصیل شد. اما در توکیو اولین بار بود که کاراته گوجو در آنجا تدریس می کرد.

گراهام نوبل: آیا او با سبک های دیگر مانند شوتوکان و وادوریو مشکلی نداشت؟
گوشی یاماگوچی: من فکر نمی کنم، بسیاری از افراد برای آموزش در دوجو می آمدند، شوتوکان و سایر ورزش های رزمی .



گراهام نوبل: پس بعد از آن فقط چند دوجو کاراته وجود داشت؟
گوشی یاماگوچی: بله، تعداد بسیار کمی، من فکر می کنم همینطور است.
گراهام نوبل: چرا او آساکوسا را انتخاب کرد؟ این منطقه بسیار ناهموار است.
گوشی یاماگوچی: درست است، درست است.

گراهام نوبل: و یک منطقه یاکوزا؟

گوشی یاماگوچی: همینطور است.

گراهام نوبل: پس چطور اونجا دوجو داشت؟

گوشی یاماگوچی: خوب، قرار بود اتفاقی برای پدرم در (اردوگاه اسیران جنگی) سیبری رخ دهد ، زیرا در آن زمان او با یک مرد آشنا شده که در یک موقعیت بسیار بالایی قرار داشت مانند یک گروه یا یاکوزا و پدر من به او کمک کرد، فکر می کنم شاید در جنگیدن به او کمک کند.

بنابراین شاید آن مرد گفت اگر می توانید به ژاپن برگردید ، لطفاً به آساکوسا در توکیو بیایید. بنابراین او در حال بازدید از آساکوسا بود، و این آغاز کار ایشان بود. بنابراین او خوش شانس بود که زندگی جدیدی را در آساکوسا آغاز کرد.

گراهام نوبل: آموزش در آساکوسا چگونه بود؟

گوشی یاماگوچی: خوب البته او مدت ها در کیوتو و همچنین در منچوری مشغول تدریس کاراته بود، بنابراین تفاوت چندانی با هم اکنون ندارد، تکنیک های پایه، کاتا، کومیته. اما من می دانم که مردم پس از آن خیلی بیشتر صرفه جویی و استفاده از وقت را دوست داشتند ، بنابراین آنها با گروه های مختلف به ورزش می پردازند، نه فقط گوجو.



گراهام نوبل: من با کاسه سنسی ، هارادا سنسی ، سوزوکی سنسی صحبت کردم و همه آنها در مورد روزهای قدیمی کوان گیکی (آموزش همراه با رقابت سخت، خشن و پربرخورد) صحبت کردند .

گوشی یاماگوچی: اوه، بله، ما کوان گیکی زیادی داشتیم .

گراهام نوبل: و همه آنها گفتند که مبارزان گوجو بسیار سختگیر و قدرتمند بودند.

گوشی یاماگوچی: آه، بله، زیرا در آن زمان هیچ مسابقه کاراته (مسابقات) وجود نداشت، بنابراین پدر من دوستان خوب زیادی در ورزش های رزمی داشت و دوجو آساکوسا ارتباط خوبی با گروه های دیگر داشت ، من به خاطر می آورم زمانی که آنها مسابقه می دادند و بعضی اوقات آموزش و تمرین خیلی خطرناک می شد.

گراهام نوبل: آیا بعضی اوقات مردم آسیب دیدند؟

گوشی یاماگوچی: بله، گاهی اوقات شکستگی دست، بینی و غیره. در آن زمان گوجو ارتباط خوبی با گروه شوتوکان داشت. دانشگاه ریتسومل کان در کیوتو ارتباط خوبی با دانشگاه تاکوشوکو داشت.

کانازاوا سنسی و بسیاری دیگر از دانشگاه تاکوشوکو فارغ التحصیل شده اند ، بنابراین ما هنوز ارتباط خوبی با شوتوکان و سنسی ناکایاما داشتیم. و برادر بزرگتر من به دانشگاه تاکوشوکو رفت.

گراهام نوبل: اهالی شوتوکان و وادو گفتند که مبارزه با هنرجویان گوجو بسیار دشوار است زیرا آنها از تکنیک هایی مانند هایتو و کین گری استفاده می کنند و از نزدیک می جنگند.

گوشی یاماگوچی: بله، خیلی نزدیک. اکنون همه مردم به طور یکسان می جنگند، اما در آن زمان گوجو از ایستادن و وضعیت گربه، نکو آشی و شوتوکان از ایستادن های بلند استفاده می کرد و مسیری طولانی (برای مبارزه) را طی می کرد. بنابراین این یک چیز خنده دار است ، گوجو دوست دارد نزدیک شود و شوتوکان دوست دارد دور بماند و مسافت زیادی را حفظ کند. من مجروحیت های زیادی را در حال جنگ دیدم.



گراهام نوبل: پس جنگ سخت بود؟

گوشی یاماگوچی: بله، ما تمرینات بسیار سختی را انجام دادیم اما بعد از آن، وقتی کار تمام می شد، دوستی ها به خوبی رعایت می شد.

گراهام نوبل: وقتی آنها با پیروان سبک وادوریو و شوتوکان می جنگیدند، مبارزان گوجو چگونه با آنها روبرو می شدند، زیرا شوتوکان یک سبک از راه دور است؟

گوشی یاماگوچی: پدر من از ایستادن گربه استفاده کرد و بنابراین مسافت را آرام کنترل می کرد. همچنین از بسیاری از ضربات شلاقی پائین تنه مانند ضربه به کشاله ران و ضربات مفصلی زانو استفاده می کرد، در حالی که مردم شوتوکان دوست داشتند ضربات بلند بزنند، بنابراین وقتی نزدیک می شدند نمی توانستند از آن ضربات استفاده کنند.

گراهام نوبل: کاسه سنسی و کانازاوا سنسی همچنین به من گفتند که مبارزان گوجو در هنگام نزدیک شدن به حریفان خود مهارت خوبی در زمین زدن آنها دارند.

گوشی یاماگوچی: درست است، روش های پرتاب، و آنها همچنین کارهایی مانند ایستادن روی پای حریف را انجام می دهند، بنابراین نمی توانند حرکت کنند، بسیار تعجب آور است. پدر من همچنین می گفت که شما نباید عقب و جلو در یک خط مستقیم قدم بگذارید، بنابراین ما می توانیم حرکت ظریف تری انجام دهیم.

گراهام نوبل: تای ساباکی؟

گوشی یاماگوچی: تای ساباکی، درست است.

گراهام نوبل: بنابراین این در دفاع مانند JAJ (نرم) است؟

گوشی یاماگوچی: البته گوجو، دو ایده سخت و نرم برای ضربه زدن دارد. بنابراین اگر کسی به شما مشت بزند، می توانید به سختی مانع شوید و به بازو آسیب برسانید، اما می توانید نیروی حریف را نیز خنثی کنید (منحرف کنید).



گراهام نوبل: بنابراین شما می توانید از دو طریق سخت و نرم از ضربه جلوگیری کنید؟

گوشی یاماگوچی: درسته

گراهام نوبل: آساکوسا در آن زمان دوجو اصلی در توکیو باقی مانده بود؟

گوشی یاماگوچی: بله و البته در ۴ اکتبر ۱۹۴۸ پدر من Goju-kai را در Asakusa راه اندازی کرد. در آن

زمان بسیاری از اعضا پس از جنگ به ژاپن برمی گشتند و ایشان فعالیت سازمان Goju-kai را شروع کرد.

گراهام نوبل: و افراد سالخورده ای مانند Ujita sensi و Wakayama و Uchiage sensei وجود داشتند

که با پدر شما به Goju-kai پیوستند؟

گوشی یاماگوچی: بله ، بیست و سومین سال Showa (۲۳ سال بعد از تشکیل امپراتوری شووا در ژاپن)

گراهام نوبل: آیا پدر شما تمام تدریس ها را در دوجو آساکوسا انجام می داد؟

گوشی یاماگوچی: بله، درست است.

گراهام نوبل: تدریس او چگونه بود؟

گوشی یاماگوچی: خوب واضح است که او تکنیک گوجو و کاتا

را آموزش داده است. روش تدریس او خیلی تماسی نبود، او

کومیته کنترل شده و تکنیک خوب را دوست داشت .

گراهام نوبل: و او با دانشجویان جیو کومیته کار کرد؟

گوشی یاماگوچی: اوه بله و در آن زمان (اوایل دهه ۱۹۵۰)

سنسی اوایاما، ماسوتاتسو اوایاما، نیز در دوجو بود.

گراهام نوبل: یک عکس شناخته شده از گوگن یاماگوچی و اوایاما در حال انجام کومیته وجود دارد .



گوشی یاماگوچی: بله، من آن عکس را می شناسم. در آن زمان او یاما سنسی عضو دوجو آساکوسا بود.

گراهام نوبل: او عضو واقعی دوجو بود؟

گوشی یاماگوچی: بله ، او یاما سنسی ششمین دان را از پدر من گرفت. (به عکس گروهی قدیمی دوجو نگاه می

کنند).. آه ، این من هستم، پسر کوچک جلو. این سنسی کی میاگی، پسر چوجون میاگی سنسی است. و این برادر

بزرگتر من است، و این هم برادر دوم.

گراهام نوبل: Gosen و Gosei .

گوشی یاماگوچی: Gosen و Gosei بله ، من و اکثر اعضای ارشد در این عکس هستند.

گراهام نوبل: پس پدرت به ماس او یاما آموزش داد؟

گوشی یاماگوچی: بله، می دانید سنسی او یاما کاراته گوجو را با سنسی So Neichu ، یک مربی کره ای

شروع کرد. نیچو یکی از شاگردان جوان پدر من در دانشگاه ریتسوما یکان بود. بنابراین او یاما سنسی به

دوجو آساکوسا آمد. نه چند بار، اما او عضو گوجوکای بود.



گراهام نوبل: تکنیک گوجو او چگونه بود، بسیار قوی؟

گوشی یاماگوچی: بسیار قدرتمند بود. قبل از اینکه جدا

شود و گروه خودش را راه بیندازد، بارها با پدرم درباره کاراته

بحث و گفتگو کرد. او یاما سنسی عقاید مختلفی داشت. پدر

من تکنیک کنترل شده را دوست داشت، اما او یاما سنسی

دوست داشت بدن قدرتمندی برای ضربه زدن ایجاد کند.

گراهام نوبل: تماس



گوشی یاماگوچی: بله تماس، بنابراین یک بار آنها خیلی شدید بحث کردند، من مطمئن نیستم کدام یک درست می گفتند! (با خنده) بنابراین او یاما سنسی باشگاه خودش، کیوکوشین را ساخت. اما در زمانی که به سبک پدرم آگاه بود، او ایده های خودش را داشت و توانست باشگاه خودش را تشکیل دهد.



گراهام نوبل: اما وقتی او یاما کیوکوشین را شروع کرد کاتای گوجو مانند سی ان چین و سایفا را نگه داشت. (نگاه کردن به

کاتای کتاب اول او یاما ، "کاراته چیست؟" (۱۹۵۹)



گوشی یاماگوچی: بله ، بسیاری از اعضای ارشد گوجو از باشگاه او بازدید کردند. این اینجا در کتاب ،سنسی...

گراهام نوبل: سنسی ایچی یاسودا.



گوشی یاماگوچی: یاسودا سنسی، بله، او شاگرد پدر من بود.

گراهام نوبل: اوه بله؟

گوشی یاماگوچی: بله ، او کره ای است. او وقتی در دوجو آساکوسا با پدر من بود دان ۲ داشت و بعد به او یاما سنسی پیوست.



گراهام نوبل: ماساشی ایشیباشی ، یکی از سنسی های اولیه کیوکوشین کای، او نیز اهل گوجو بود.

گوشی یاماگوچی: بله، او از همان دانشگاهی که من بدر آن بودم فارغ التحصیل شد. در واقع، او هنوز عضو گوجو کای ماست. اما ایشیباشی سنسی نیز پس از تأسیس باشگاه او یاما سنسی به ایشان پیوست. بنابراین بسیاری از اعضای ارشد گوجو از باشگاه او بازدید کردند بنابراین قبل از شروع کیوکوشین ارتباطات خوبی برقرار بود.



گراهام نوبل: در عکس های اولیه کیوکوشین ، هنگامی که آنها جیو کومیته می کنند ، مانند گوجو کای از ایستادن نکوآشی استفاده می کردند.



گوشی یاماگوچی: درست است، بسیار شبیه است.

گراهام نوبل: آیا درست است که شما دیدید او یاما سنسی سکه ای را خم می کند؟



گوشی یاماگوچی: بله، من بارها دیدم. من هنوز معتقدم زیرا در آن زمان من بچه کوچکی بودم و او به من نشان داد که چگونه یک سکه را خم کنم. برخی از افراد چیز دیگری می گویند، اما من این را نمی دانستم. در آن زمان من تعجب کردم، شما می دانید. او بسیاری از فنون قدرتی را به ما نشان داد. بامبو را دور هم می پیچید و با انگشتانش ضربه می زد. او بسیاری از فنون شکستن را به ما نشان داد.

گراهام نوبل: آیا او را در حال انجام کومیته دیده اید؟ شبیه چه چیزی بود؟

گوشی یاماگوچی: آه، بسیار قوی بود. او دوست داشت حریف را بگیرد و به زمین بیندازد. البته او از تکنیک های بزرگی استفاده کرد، اما هنگامی که من فقط یک کودک بودم با من کومیته کرد ... این یک خاطره بسیار خوب برای من است.

گراهام نوبل: آیا شما دانشجویان خارجی اولیه گوجو مانند پیتر اوربان را می شناختید؟

گوشی یاماگوچی: بله، من او را می شناختم.

گراهام نوبل: وقتی شما آنجا بودید او در دوجو بود؟

گوشی یاماگوچی: بله، او با سنسی اوایما تمرین می کرد. نکته خنده دار درباره پیتر اوربان این بود که او به طور معمول نمی توانست به آن منطقه از آساکوسا بیاید. چون او افسر ارتش بود. اما به هر حال می آمد.

گراهام نوبل: بنابراین آساکوسا برای نظامیان آمریکا محدودیت نداشت؟



گوشی یاماگوچی: بله وی با یک همسر ژاپنی ازدواج کرد. پیتر اوربان اولین مربی بود که گوجو ریو را در ایالات متحده راه اندازی کرد، اما ایده های او کمی متفاوت بود.

گراهام نوبل: آیا زمانی که شما به عنوان پسر گوگن یاماگوچی در حال آموزش بودید، این موضوع به شما فشار آورد که خوب باشید؟

گوشی یاماگوچی: بله، البته، اما من همچنین پسر سوم بودم. بنابراین در قبلا پسران اول و دوم بیشتر آموزش های سخت را دیده اند. بنابراین در مورد من کمی متفاوت بود. من اعضای ارشد زیادی نیز داشتم که از من حمایت می کردند و البته من افتخار می کردم که پسر گوگن یاماگوچی هستم.

گراهام نوبل: و این باعث نمی شد که سخت تر تمرین کنید؟

گوشی یاماگوچی: البته

گراهام نوبل: شروع با علاقه تمرینات کاراته شما از چه موقعی بود؟

گوشی یاماگوچی: وقتی ده ساله بودم، در کنار پدرم شروع به تحصیل در رشته جودو و کندو کردم و خوشحال شدم که در آن زمان کاراته کار می کنم.

گراهام نوبل: چه موقع شما به عنوان مدیر ارشد تبدیل شدید؟

گوشی یاماگوچی: خوب، این بعد از فوت پدرم در سال ۱۹۸۹ بود. بعد از دو سال من به عنوان رئیس Goju kai All Japan و International Goju-kai انتخاب شدم.



گراهام نوبل: پس چه موقع پدر شما بیشتر کلاس ها را متوقف کرد و تدریس را با افراد دیگر مانند تازاکی سنسی ، یاماموتو

سنسی ، شاید انتقال داد؟

گوشی یاماگوچی: بسیاری از افراد در گوجوکای مانند Tazaki sensei ، Yamamoto sensei ، Mayama sensei نیز

آموزش دیدند ، اما بعداً پدر من با اعضای ارشد گوجوکای مانند Uchiage sensi ، Ujita sensi مشکل بزرگی داشت ،

بنابراین آنها در گروه جداگانه ای از پدرم جدا شدند. در آن زمان البته من نمی توانستم انتخاب کنم، مجبور شدم با پدرم

بروم. البته یاماموتو سنسی و تازاکی سنسی شاگردان پدر من بودند ، اما سنسی تازاکی اکنون به Renmei Goju پیوسته

است.



اما در زمان های قدیم ما تمرینات خوبی را به همراه سنسی تازاکی و یاماموتو داشتیم ، زیرا تیم گوجوکای را برای اولین و دومین مسابقات کل ژاپن تشکیل داده بودیم. ما در یک تیم بودیم (با نگاهی به کتاب "Goju-ryu" توسط گربه" و

عکس گرفته شده در مسابقات ۱۹۶۳) بله

، این تیم است: تازاکی، یاماموتو، یابه،

شیماتوکو و من. آن زمان ما جایزه اول

گوجوکای را در کل ژاپن گرفتیم.





گراهام نوبل: گوجو اوکیناوانایی عمدتاً تمرین کاتا بود ، اما پدر شما جیو کومیته را به گوجو ژاپنی معرفی کرد؟
 گوشه یاماگوچی: خوب، البته شما می دانید اوکیناوا بسیار سنتی بود. بنابراین گوجو اوکیناوانایی مبارزه آزاد نداشت، فقط کیهون، کاتا و مقداری کوتاه کیتائو، بنابراین پدر من جیو کومیته، مسابقات آزاد را در دانشگاه Ritsumeikan آغاز کرد. چون میاگی سنسی از این موضوع مطلع بود. اما در آن زمان ارتباط خوبی با اعضای گوجو اوکیناوا نداشتیم. و پس از جنگ، اوکیناوا بخشی از ژاپن نبود و ما نمی توانستیم به آنجا برویم زیرا این کشور توسط آمریکا کنترل می شد. بنابراین پدر من فرصتی برای رفتن به اوکیناوا نداشت.

گراهام نوبل: می بینم، زیرا نیروهای آمریکایی در آنجا مستقر بودند.
 گوشه یاماگوچی: بله ، اما ما ارتباط خوبی با Meitoku Yagi سنسی داشتیم یاگی سنسی دانشجوی ارشد میاگی سنسی بود. بعداً وقتی به اوکیناوا رفتیم از یاگی سنسی دیدار می کردیم ، نه میازاتو سنسی.
 گراهام نوبل: در اصول شوتوکان دفاع را با ساعد انجام می دهند، اما در گوجوکای از همان ابتدا با دست باز انجام می دهید.

گوشه یاماگوچی: بله ، مطمئناً گوجو باید هم سخت و هم نرم باشد. پدرم گفت ما باید نرم تر عمل کنیم. بنابراین پدر من از دست باز و حرکات ظریف تر استفاده می کرد. و نکوآشی داچی (ایستادن گربه) ، برای حرکت ظریف خوب است. همچنین به طور سنتی گوجو ریو از کونگ فو چینی می آید و کونگ فو نیز دارای بسیاری از حرکات ظریف است ، بنابراین ما نیز به آن (سنت) احترام می گذاریم.

گراهام نوبل: و پدرت کاتای تنشو را دوست داشت؟
 گوشه یاماگوچی: بله، او آن را انجام می داد، من هم تنشو را دوست دارم.
 گراهام نوبل: و در گوجوکای سانچین GO (سخت) و تنشو JU (نرم) است؟



گوشی یاماگوچی: خوب، بعضی ها می گویند گو و جو از هم جدا هستند، اما پدر من می گفت که سانچین و تنشو کیهون هستند و این کیهون باید کاملاً متعادل، نرم و سخت باشد. در تنشو ما همان روش سانچین را نشان می دهیم: به نظر می رسد (از بیرون) تنفس بسیار قوی است ، اما در داخل متفاوت است.

گراهام نوبل: پس آیا می توانید بگویید سانچین حمله بیشتری دارد و تنشو دفاع بیشتری؟

گوشی یاماگوچی: درست است، بنابراین مردم اوکیناوا می گویند تنشو، هیشو کاتا است ، و سانچین کیهون کاتا و تمام کاتاهای دیگر از سایفا تا سوپاریم پی، کایشو کاتا هستند. اما پدرم گفت که تنشو باید با سانچین همراه باشد: این تعادل خوبی است.

گراهام نوبل: و آیا Sanchin-Tensho که ترکیب دو شکل با هم است را او انجام داد؟

گوشی یاماگوچی: بله، این ایده پدر من بود، او دوست داشت آندو با هم نشان داده شود.



گراهام نوبل: آیا کاتای مورد علاقه او Suparimpei بود؟

گوشی یاماگوچی: بله ، او سوپاریم پی را دوست داشت. او بارها سوپاریم پی را بیشتر اوقات اجرا می کرد .



گراهام نوبل: آیا شما کاتای مورد علاقه ای دارید؟

گوشی یاماگوچی: خوب، وقتی جوان بودم دوست داشتم کاتا سی سان را نشان دهم. حالا نمی توانم بگویم کدام یک. و اکنون کاتای ویژه Genkaku و Chikaku داریم. آنها فقط کاتای شیپان ها (استاتید) هستند.

گراهام نوبل: گنکاکو و چیکاکو ، آنها توسط شما و پدرتان ساخته شده اند؟

گوشی یاماگوچی: بله، پدر من قبل از فوتشان این کاتاها را ساخته بود.

گراهام نوبل: او آن کاتا را با شما ساخته داده است؟

گوشی یاماگوچی: بله، ما با هم کار کردیم.

گراهام نوبل: در گوجوکای، شما کاتا هایی دارید به نام تایکیوکو که در کاراته اوکیناوا نیست. آیا اینها برای آموزش مقدماتی ایجاد شده اند؟

گوشی یاماگوچی: درست است، زیرا کاتای گکیسای دای برای مبتدیان دشوار است. بنابراین پدر من دوست داشت مبتدیان با کاتای تایکیوکو شروع کنند. ما پنج کاتای تایکیوکو داریم و بعد از اینکه آنها را انجام دادید ، شروع گکیسای آسان است. پدر من از کاتای گکیسای شروع کرد و تکنیک های تایکیوکو جودان تا تایکیوکو ماواشی اوکه را از کاتای گکیسا دای استخراج کرد.

گراهام نوبل: بنابراین آنها یک آمادگی برای کاتای دیگر هستند.

گوشی یاماگوچی: بله، بنابراین مبتدی با تایکیوکو جودان شروع می کند و تا تایکیوکو ماواشی اوکه کار می کند ، بنابراین شروع کار در گکیسای آسان می شود.

گراهام نوبل: در گوجو ژاپنی نیز ضربات بیشتری نسبت به گوجو سنتی اوکیناوابی استفاده می شود.



گوشی یاماگوچی: بله، اما مطمئناً گوجو ضربه های بلند زیادی نداشته است ، فقط ضربات زیر کمر بند و مفصل زانو زده است، مانند کانستسو گری بنابراین در کاتای تایکیوکو فقط از مای گری استفاده می کنیم.

گراهام نوبل: در انجمن خودتان ، شما به سبک قدیمی گوجو، جیوکومیتسه و همچنین مبارزه مدرن به سبک مسابقات ادامه داده اید. آیا مبارزه به روش سنتی گوجو، و استفاده از ایستادن نکوآشی و بکار بردن تکنیک هایی مانند هایتو برای شما مهم است؟

گوشی یاماگوچی: بله ، درست است. پدر من تمرین کومیتسه امتیازی را دوست نداشت ، اما البته او فهمید که نسل جوان دوست دارد تمرینات را به شکل مسابقات ورزشی انجام دهد. اما کاراته فقط برای ورزش نیست، درست است؟ بنابراین او دوست داشت که به روش سنتی نیز تدریس کند. بنابراین در گوجوکای من اکنون دو مسابقه متفاوت وجود دارد: امتیازی و مسابقه آزاد.

گراهام نوبل: تکنیک های مورد علاقه شما در جیوکومیتسه کدام بود؟

گوشی یاماگوچی: خوب من از هایتو، و تکنیک های ضربه محکم و ناگهانی مانند اوراکن و فوری اوچی خوشم می آمد.

گراهام نوبل: تکنیک های مورد علاقه پدرتان کدام بود؟

گوشی یاماگوچی: او تکنیک بسیار نزدیک آرنج را دوست داشت. همچنین او از بسیاری از تکنیک های دست باز استفاده می کرد .

گراهام نوبل: روش هایی مانند نوکیتسه

گوشی یاماگوچی: بله و تیشو، و او تکنیکی برای قرار دادن دست خود بر روی آرنج یا زانو داشت..





به همین دلیل مردم نمی توانستند کاری انجام دهند. بنابراین خنده دار بود، زمانی که مردم با پدرم وارد مبارزه می شدند، همه می گفتند ، "ما نمی توانستیم خوب کار انجام دهیم ، اما نمی دانیم چرا."

گراهام نوبل: دلیلش این بود که او آرنج را کنترل می کرد؟

گوشی یاماگوچی: بله ، او آنها را کنترل می کرد. فاصله را حفظ می کرد و وقتی حمله می کردند به آرنج یا زانوی آنها فشار می آورد.

گراهام نوبل: جالب است.

گوشی یاماگوچی: بله، من هم همین طور فکر می کنم.

گراهام نوبل: آیا پدر شما هیچ وقت درباره آموزش خود با میاگی سنسی صحبت کرده است؟

گوشی یاماگوچی: پدر من گفت در زمان ملاقات با میاگی سنسی او کاراته کای خوبی نبود.

گراهام نوبل: پدرت کاراته کای خوبی نبود؟

گوشی یاماگوچی: بله، درست است، اما بعد وقتی او با میاگی سنسی ملاقات کرد، فکر کرد که باید شخصیت خود را تغییر دهد، زیرا میاگی سنسی شخص بزرگی بود. پدرم بسیار به او احترام می گذاشت و بعد از اینکه او با میاگی سنسی آشنا شد تغییرات زیادی ایجاد کرد.

گراهام نوبل: ایشان در کتابش گفته اند که وقتی جوانتر بود خیلی مبارزه کرده است.

گوشی یاماگوچی: بله، وقتی او جوان بود خیلی جنگید اما بعد او سیگار و الکل را ترک کرد.

گراهام نوبل: آیا پدر شما هیچ وقت درباره دوران حضورش در منچوری صحبت کرده است؟

گوشی یاماگوچی: او همه چیز را به من نگفت، اما من فکر می کنم او کار بسیار سختی در منچوری داشت و همچنین با بسیاری از رزمی کاران مغول و منچوری ارتباط خوبی داشت .



گراهام نوبل: او یک تیم نمایشی از هنرمندان رزمی را از منچوری به ژاپن آورد.

گوشی یاماگوچی: درسته این خیلی خاص بود.

گراهام نوبل: آیا او از زمان حضورش در منچوری تا به حال در مورد کمپو چینی صحبتی کرده است؟

گوشی یاماگوچی: بله، او بارها دیده است. ولی هرگز کونگ فو چینی را مطالعه نکرد، و به من گفت اگر فرصتی پیدا کردم باید مقداری مطالعه کنم. سپس من برخی از کونگ فو های چینی را مورد مطالعه قرار دادم و شباهت های زیادی بین آنها و گوجو پیدا کردم.

گراهام نوبل: مانند حرکات دایره ای؟

گوشی یاماگوچی: درست است، و همچنین آنها در مورد قدرت کی (chi) مطالعه بیشتری می کنند.

گراهام نوبل: (نگاه کردن به عکس گوگن یاماگوچی که در حال استفاده از kusari است) آیا امروزه کسی کوساری را تمرین می کند؟

***(کوساری یک سلاح سنتی به شکل زنجیر است که در انتهای آن یک چنگک تیزو یا یک وزنه کوچک متصل است)

گوشی یاماگوچی: نه، هیچ کس، اما مطمئناً من کوساری پدرم را دارم. وی گفت این یک سلاح سنتی است، و مطالعه کلیه هنرهای رزمی سنتی و نه فقط کاراته خوب است. بنابراین او به من جودو و کندو را آموخت و اکنون من کیودو (تیراندازی با کمان) را نیز دوست دارم.

گراهام نوبل: اوه بله؟ آیا این برای پرورش ذهن است؟

گوشی یاماگوچی: بله و من این ایده را دوست دارم. کیودو سلاح خوبی است، اما برای کشتن نیست. شما می دانید که آن برای مراسم و اجرای فرم سنتی خوب است .



گراهام نوبل: پدر شما کوساری را از کجا آموخته است؟ در منچوری بود یا ژاپن؟

گوشی یاماگوچی: در منچوری نه بلکه از یک استاد در ژاپن. و من اسم او را نمی دانم و همچنین پدرم در مورد کندو نیز تحصیل کرد.

گراهام نوبل: جیگن ریو؟

گوشی یاماگوچی: جیگن ریو از کاوشیما، درست است. همان زمان او در حال مطالعه کوساری بود.

گراهام نوبل: در سال های آخر پدر شما به یوگا و شینتو علاقه مند شد.

گوشی یاماگوچی: بله، ایده او این بود که هنرهای رزمی نباید فقط برای جنگ باشد. بنابراین او بیشتر به رشد ذهنی علاقه مند شد و یوگا و شینتو را به شکل بسیار سنتی آموخت. بنابراین این راه اصلی او هنگام پیر شدن بود. من به یاد می آورم که در سال های قبل از مرگش او به بسیاری از دانش آموزان آموزش می داد، اما او دوست نداشت کاراته را نمایش دهد، و بیشتر مدیتیشن و آموزش ذهنی را آموزش می داد.

گراهام نوبل: عکس هایی از پدر شما در هند وجود دارد. آیا او واقعاً در هند یوگا را آموزش دید؟

گوشی یاماگوچی: بله، او از برخی از یوگی ها، مربیان یوگا تعلیم دیده است. من یوگا را آموزش ندیده ام زیرا بسیار دشوار است.

گراهام نوبل: آیا فکر می کنید یوگا روی کاراته پدرتان تأثیر گذاشته است، یا این چیز دیگری است؟

گوشی یاماگوچی: خوب، این ایده ویژه او بود: او می خواست هنرهای رزمی، یوگا و شینتو را مخلوط کند. اما این ایده را متأسفانه من درک نمی کنم. بنابراین من اکنون آنها را جدا می کنم: یوگا یوگا است، شینتو باید یک دین باشد، کاراته در حال آموزش است. من یوگا کار نمی کنم و خیلی هم شینتو انجام نمی دهم.

گراهام نوبل: بنابراین این روش شخصی او بود.



گوشی یاماگوچی: بله، البته، من هنوز هم به مطالعه پدرم در مورد یوگا خیلی زیاد احترام می گذارم، زیرا شاید او در کنار انجام تنفس کاراته، می خواست تنفس یوگا را نیز مطالعه و بیاموزد.



گراهام نوبل: و او یوگا آموزش داد؟

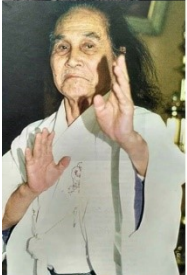
گوشی یاماگوچی: بله، او به برخی از اعضا یوگا آموزش داد، اما به اعضای کاراته نگفت "شما باید یوگا بیاموزید". بنابراین می توانید انتخاب کنید.

گراهام نوبل: در دهه ۱۹۷۰ پدر شما دانشکده کاراته ژاپن را تأسیس کرد.

گوشی یاماگوچی: درست است، این رویای او بود.

گراهام نوبل: و او می خواست همه سبک ها را در این دانشکده جمع کند؟

گوشی یاماگوچی: درسته در آن زمان ما روابط خوبی با اوتسوکا سنسی از وادو ریو و ناکایاما سنسی از شوتوکان





و سبک های دیگر داشتیم و ایده او این بود که در کاراته همه باید با هم باشند. بنابراین او دانشکده-Senmon

Gakku را راه اندازی کرد. اما سازماندهی آن بسیار دشوار بود، می دانید؟

گراهام نوبل: جمع کردن گروه ها دشوار بود؟

گوشی یاماگوچی: بله ، بسیار دشوار بود. اما بسیاری از اعضا که از خارج (ژاپن) آمده بودند ، این فرصت را داشتند که

سبک های مختلف را مطالعه کنند. صحبت کردن در مورد آن آسان است، اما انجام هر سبک بسیار دشوار است ، زیرا

در گوجوریو و شوتوکان، همیشه چیزهای مختلفی وجود دارد ، حتی در اصول اولیه. اکنون در مسابقات و سمینارها

روابط خوبی (بین سبک ها) داریم ، اما در آن زمان ایده پدر من این بود که همه چیز را در Senmon-Gakku

آموزش ببینم ... اما من نتوانستم!

گراهام نوبل: شما استادان سبک های دیگری مانند اوتسوکا سنسی (وادو ریو) و ناکایاما سنسی (JKA) را دیدید؟

گوشی یاماگوچی: بله ، من آنها را خیلی خوب می شناختم. من خیلی به آنها احترام می گذاشتم.

گراهام نوبل: نظر شما در مورد تکنیک اوتسوکا چیست؟ او همچنین یک تکنیک نرم داشت.

گوشی یاماگوچی: خوب البته اوتسوکا سنسی جو جوتسو را آموخته بود بنابراین فکر می کنم تکنیک او کاراته خالص

نبود. او ایده های خوبی برای حرکات جابجایی داشت، و برخی از تکنیک ها را از Ju-jutsu گرفت.

گراهام نوبل: پس شما فکر می کنید مثل اینکه کاراته و جو جوتسو با هم مخلوط شده باشند؟

گوشی یاماگوچی: درست است، بله.

گراهام نوبل: و نظر شما در مورد شوتوکان چیست؟ پایه های قوی؟

گوشی یاماگوچی: درسته اما ناکایاما سنسی یک بار به من گفت که شوتوکان و گوجو هر دو کاراته هستند ، اما آنها

ایده های مختلفی دارند. بنابراین او گفت که مسابقات آنها باید جداگانه باشد، نه اینکه کنار هم قرار بگیرد.



زیرا، اگر درخت را مثال بزنید، شوتوکان یک درخت خرما است، و گوجو مانند بامبو. بنابراین بامبو و درخت خرما نمی توانند مخلوط شوند.

گراهام نوبل: پس او فکر کرد که سبک ها باید جدا باشد؟

گوشی یاماگوچی: بله، او این را به من گفت.

گراهام نوبل: آیا مابونی سنسی یا ایواتا سنسی از شیتوریو را دیده اید؟

گوشی یاماگوچی: بله، من شیتوریو را می شناسم.

گراهام نوبل: آنها کاتای مشابه گوجوریو را انجام می دهند.

گوشی یاماگوچی: بله ، بسیار مشابه است، زیرا مابونی سنسی کاراته را نزد هیگائونا سنسی از گوجو و همچنین

ایتوسو سنسی آموخته بود ، بنابراین ایده های او حالا کاتاهای شیتوریو خیلی آسان نیست اما من می توانم

درک کنم. اما کاتای شوتوکان برای من بسیار سخت است.

گراهام نوبل: احساس تکنیک متفاوت است؟

گوشی یاماگوچی: درست است، حدس می زنم چنین باشد. اما وقتی آنها فدراسیون کاراته ژاپن را ایجاد کردند ، پدر

من روابط خوبی با سنسی ناکایاما ، مابونی سنسی ، اوتسوکا سنسی داشت، بنابراین در آن زمان همه استادان برتر با

هم صحبت می کردند و با یکدیگر ارتباط داشتند و اکنون همه کاراته ها یک طرفه می روند.

گراهام نوبل: امروزه مردم مقدار زیادی بونکای کاتا تمرین می کنند.

گوشی یاماگوچی: بله، مطمئناً با بونکای آنها می تواند ارتباط خوبی با حریف تمرینی برقرار کند و برای هماهنگی

مناسب است. بنابراین من فکر می کنم بونکای برای درک کاتا بسیار مهم است، و همچنین می توانیم از برخی از تکنیک

های کاتا استفاده کنیم، بنابراین ما فقط مشت و لگد امتیازی نداریم.



گراهام نوبل: آیا پدر شما بونکای را به شما آموزش داده است یا اکنون بیشتر بونکای توسط شما ساخته شده است؟
گوشی یاماگوچی: اکنون بونکای ما در گوجوکای روش من است ، زیرا سبک بونکای پدر من بیشتر شبیه اوکیناویای سنتی بود، نه نرم ، بلکه بسیار سخت و پربرخورد. سپس او گفت که ما می توانیم از طریق کاتا تمرینات نرم تری را انجام دهیم و سپس بونکای را از گکیسای تا سوپاریم پی توسعه دادیم.

گراهام نوبل: شما قبلاً گفتید که مهم است که شکل سنتی گوجو حفظ شود، حتی الان که مسابقات رقابتی محبوب هستند.
گوشی یاماگوچی: بله، ما باید هر دو را آموزش دهیم. البته نسل جوان می تواند مبارزه امتیازی و رقابتی را انجام دهد، اما اعضای ارشد می توانند آموزش های سنتی را انجام دهند. بنابراین ما باید آن را حفظ کنیم.

گراهام نوبل: و کاراته تمام زندگی شماست؟

گوشی یاماگوچی: بله، این زندگی من است.

گراهام نوبل: آیا شما مجبور هستید زیاد به تدریس گوجو بپردازید؟

گوشی یاماگوچی: بله، من JKGA در ژاپن و IKGA در سطح بین المللی دارم. بعد از اینجا من باید به آمریکای شمالی ، آمریکای جنوبی ، آفریقا بروم ... تا همه جا گوجوکای را به همان شیوه انجام دهند.

گراهام نوبل: Sensei ، از وقتی که گذاشتید متشکرم.

گوشی یاماگوچی: باشه بسیار از شما متشکرم.

تهیه و ترجمه: به اهتمام محمد رضا یوسفی